

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۶ - شبهه‌ای در مورد لقاء و رجوع و بررسی آن
تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۴۰۰
مصادف با: ۶ شعبان ۱۴۴۳
جلسه: ۵۰

﴿الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين﴾

شبهه‌ای در مورد لقاء و رجوع و بررسی آن

از آیه ۴۶ نکته‌ای باقی مانده که این نکته را عرض کنیم و بحث از این آیه تمام می‌شود. نکته‌ای که باقی مانده در حقیقت شبهه‌ای است که مربوط به لقاء و رجوع است؛ چون در آیه ۴۶ مسأله یقین به لقاء و یقین به رجوع به سوی پروردگار مطرح شد؛ اینها به عنوان وصف خاشعان ذکر شدند. فرمودند خاشعان کسانی هستند که «يظنون أنهم ملاقو ربهم» و همچنین «يظنون أنهم إليه راجعون»؛ معنای این دو جمله را بیان کردیم و توضیحاتی که لازم بود عرض شد.

۱. شبهه‌ای در مورد لقاء

اما در مورد لقاء در جمله اول شبهه‌ای مطرح شده و آن اینکه لقاء در واقع از اوصاف اجسام خارجی است؛ وقتی بحث از لقاء پیش می‌آید، یعنی اینکه دو جسم خارجی با هم اتصال پیدا می‌کنند. پس معنای لقاء کأن این است که انسان خدا را ملاقات می‌کند، به این معنا که اتصال با او پیدا می‌کند و این لازمه‌اش آن است که نعوذ بالله خدا جسم باشد. لذا برای اینکه این مشکل پیش نیاید، اساساً لقاء را نباید به این معنا بگیریم. اتفاقاً این از ادله‌ای است که مجسمه به آن استناد کرده‌اند برای اینکه خداوند جسم است؛ لذا بعضی‌ها قائل به رؤیت ظاهری شده‌اند. بالاخره این حرف باطل را با کمک برخی از آیات می‌خواهند اثبات کنند.

پاسخ

با توجه به توضیحاتی که بیان کردیم، پاسخ این شبهه روشن است؛ گفتیم لقاء مختص به اجسام نیست؛ همچنین گفتیم لقاء از نظر لغوی به چه معناست و در این آیه چندین احتمال در مورد آن ذکر کردیم. نهایتاً به اینجا رسیدیم که منظور از لقاء یعنی همان قرب و نزدیکی و در کنار هم قرار گرفتن است؛ اتفاقاً این در آیات قرآن هم نظیر دارد؛ یعنی گاهی تعبیر به لقاء در مورد غیر اجسام به کار رفته است. مثلاً در سوره طور آمده: «حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ»^۱ حتی ملاقات می‌کنند روزشان را. آیا ملاقات یومهم به این معناست که یوم جسم است؟ مسلماً یوم جسم نیست، اما بحث ملاقات یوم ذکر شده است؛ و این در قرآن هم آمده و لذا کسی نمی‌تواند بگوید این معنای غلطی است. یا مثلاً «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ»^۲ کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و لقاء آخرت را؛ مسلماً آخرت جسم نیست،

۱. سوره طور، آیه ۴۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۴۷.

اما بحث لقاء الآخرة مطرح شده است.

پس اینکه کسی بگوید لقاء مربوط به اجسام خارجی است و چون خداوند تبارک و تعالی نمی‌تواند جسم باشد، پس لقاء در اینجا نباید به این معنا باشد، عرض کردیم که این درست نیست. وقتی می‌گوییم «تلاقی» یعنی به هم رسیدن؛ این می‌تواند مربوط به اجسام باشد و می‌تواند به غیراجسام مربوط باشد. در مورد موجودات به طور کلی سخن از تلاقی غلط نیست؛ همانطور که مادیات می‌توانند تلاقی داشته باشند، مجردات هم می‌توانند تلاقی داشته باشند. حتی اعراض هم می‌توانند تلاقی داشته باشند، چه جواهر چه اعراض، چه مادیات چه مجردات. پس هیچ مشکلی از این جهت وجود ندارد.

۲. شبهه در مورد رجوع

همچنین شبهه‌ای نظیر همین شبهه، در مورد رجوع مطرح شده است و آن اینکه وقتی خداوند می‌فرماید «وَأَنهَم إِلَیْه رَاجِعُونَ»، رجوع هم فقط برای اجسام ممکن است؛ رجوع به غیرجسم محال است. پس اگر گفتیم انسان یک روزی رجوع به سوی خدا می‌کند، این لازمه‌اش آن است که خداوند جسم باشد. این استفاده‌ای است که مجسمه از این آیه کرده‌اند. به تعبیر دیگر از «وَأَنهَم إِلَیْه رَاجِعُونَ» دو گروه سوءاستفاده کرده‌اند؛ مجسمه از «إِلَیْه رَاجِعُونَ» نتیجه گرفته‌اند که خداوند جسم است. تناسخیه می‌گویند وقتی سخن از رجوع به چیزی است، حتماً مسبوق به کون عند الشیء است؛ وقتی به سوی چیزی برمی‌گردد، این معنایش آن است که قبلاً نزد او بوده است؛ اگر چیزی عندالله بوده، پس معلوم می‌شود که قدیم است. لذا نتیجه می‌گیرند که ارواح بشر، قدیم هستند و آنها در عالم معنوی و روحانی قدیم بوده‌اند، و روح حادث نیست بلکه قدیم است و از ازل بوده است. پس این دو گروه، یعنی مجسمه و تناسخیه از این آیه دو استفاده نابجا کرده‌اند. خلاصه اینکه شبهه‌ای که در مورد رجوع مطرح است، این است که اگر رجوع را به معنای ظاهری خودش بگیریم، تالی فاسد دارد. رجوع به معنای بازگشت به سوی چیزی، سر از این دو تالی فاسد درمی‌آورد؛ پس ما باید رجوع را به یک معنای دیگر بگیریم و نمی‌توانیم به معنای حقیقی خودش که همان بازگشت به سوی خداست، معنا کنیم.

پاسخ

این هم فیه نظر؛ این شبهه هم مردود است. هم آن مطالبی که آن دو گروه گفته‌اند باطل است، یعنی استدلال مجسمه و تناسخیه برای اثبات جسم بودن خدا و قدیم بودن روح باطل است؛ هم اینکه اساساً رجوع به همین معنای حقیقی خودش هیچ محذوری ندارد. یعنی اگر ما قائل به رجوع شویم، مستلزم این نیست که خدا جسم باشد؛ مستلزم قدیم بودن روح نیست. چون رجوع در حقیقت به معنای بازگشت به محضر خداست و اینکه روزی فرا می‌رسد که بشر مبعوث می‌شود، یعنی روزی است که غیر از خداوند تبارک و تعالی هیچ کسی نسبت به آن روز اختیار، احاطه، اشراف و ملکیت ندارد. معنای بازگشت این است؛ انسان با روزی مواجه خواهد شد که به غیر از خدا، هیچ کسی مالک نفع و

ضرر او نیست؛ همانطور که در ابتدای خلقت بشر این چنین بود. انسان در ابتدای خلقت هیچ بود؛ مالک همه چیز او خدا بود؛ خداوند او را از کتم عدم به عالم وجود منتقل کرد. چه ما این را نسبت به نوع بشر و نوع انسان در نظر بگیریم و در خلقت نوع انسان این را تطبیق کنیم، چه آن را نسبت به شخص انسان و خلقت شخص انسان بگوییم، فرقی نمی‌کند. بالاخره انسان که پا به عرصه وجود گذاشت و به این عالم آمد، هیچ بود و همه امر او در اختیار خداوند بود. بعد از این دنیا هم روزی خواهد رسید که همان وضع خواهد شد که خداوند مالک همه چیز انسان است؛ غیر از خدا هیچ مالکی نیست؛ او مالک خیر و نفع و ضرر انسان است. لذا اگر می‌گوییم انسان به سوی خدا برمی‌گردد، لزوماً به این معنا نیست که خداوند در جایی قرار دارد و جسمی است که بشر باید به آن نقطه برگردد؛ یعنی خداوند در یک نقطه و مکانی ایستاده که بشر باید به سوی آن مکان و نقطه برگردد و این لازمه‌اش جسمیت خداست. اساساً چنین توهمی باطل است و نیازی به این معنا نیست؛ معنای رجوع کاملاً روشن است و مشکلی هم پیش نمی‌آید.

پس این شبهه‌ای که در مورد لقاء و در مورد رجوع در اینجا مطرح است و برخی از فرقه‌های باطل اسلامی به این آیات استناد کرده‌اند برای اثبات حرف باطل خودشان، اینها مردود است و چنین استناد و استدلالی مقبول نیست و هیچ خدشه‌ای هم در معنای لقاء و رجوع که ذکر کردیم، ایجاد نمی‌کند. لقاء به همان معناست، رجوع هم به همان معناست و لذا مشکلی از این جهت نیست. هذا تمام الکلام در آیه ۴۶.

بحث جلسه آینده

آیه ۴۷ این است که می‌فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ». این آیه مبین همان نکته‌ای است که قبلاً فرموده بود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ...». حالا چرا دوباره خداوند این را فرموده، آن هم بعد از بیان برخی نعمت‌هایی که خداوند به آنها داده است، این مطلبی است که در جلسات آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»